

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: علی کاظمی و یادداشت پورتال  
۲۳ فیروزی ۲۰۲۵

## سرگنی اوبوخوف: روسیه محکوم به برقراری دوباره سوسیالیسم است!



"فرمول پیروزی بدون تغییر در مسیر اجتماعی-اقتصادی و بازگرداندن اصل عدالت اجتماعی در جامعه غیرممکن است" – سرگنی اوبوخوف

\*\*\*\*\*

\* - سرگنی اوبوخوف: دکتر علوم سیاسی، عضو هیأت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه، نماینده دوما دولتی سرگنی اوبوخوف و کارشناس سیاسی خبرگزاری آنورا، فیودور بیروکوف، در برنامه رادیویی آنورا درباره شرایط ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و سازمانی برای پیروزی ژئوپولیتیک روسیه، افزایش پویای سطح زندگی شهروندان و تغییرات مثبت و قاطع در جنبه‌های کلیدی واقعیت اجتماعی-سیاسی بحث کردند.

\*\*\*\*\*

مجری (فیودور بیروکوف):

"امروز قصد داریم درباره موضوعی گسترده بحث کنیم: "قیمت پیروزی" یا "فرمول پیروزی". چیزی که حزب کمونیست فدراسیون روسیه سال‌هاست درباره آن صحبت می‌کند: دولت باید اجتماعی و آگاه باشد، و به نظر می‌رسد که امروز مقامات این را پذیرفته‌اند. ما می‌فهمیم که تمامی مشکلات مطرح شده هم در جبهه و هم در زندگی صلح‌آمیز، به یکدیگر وابسته هستند. و زمان آن رسیده که از حرف به عمل برسیم. آیا دولت آماده است تا به استدلال‌های کمونیست‌ها گوش دهد یا همه چیز بر اساس سناریوی دیگری پیش خواهد رفت؟"

## سرگئی اوبخوف :

"در واقع، حزب کمونیست فدراسیون روسیه یک "برنامه پیروزی" دارد. و اکنون در چارچوب آن، یک همه‌پرسی درباره چهار موضوع کلیدی با اهمیت اجتماعی برگزار کرده‌ایم. بعداً با جزئیات بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت. اما اکنون اشاره می‌کنم که مهم‌ترین نکته برای فرمول پیروزی، همان‌طور که شما بدرستی اشاره کردید، احیای یک دولت قوی و عدالت اجتماعی است.

در واقع، مقامات شروع به تکیه بر میراث شوروی کرده‌اند، و فعالانه تلاش می‌کنند تا برخی از اشکال شوروی را بازتولید کنند، اما یک "اما" وجود دارد. مقامات با صحبت مثبت درباره میراث شوروی، سعی می‌کنند نظر اکثریت شهروندانی را که ابراز نوستالژی برای اتحاد جماهیر شوروی می‌کنند و از فروپاشی آن افسوس می‌خورند، جلب کنند. و بنابراین، فعالانه از روایت‌های شوروی استفاده می‌کنند که برای نسل قدیم آشنا و برای جوانان بسیار جذاب است. اما یک مشکل وجود دارد. مرکز ما برای "فرهنگ سیاسی شوروی" تحقیقی انجام داده است که شامل این سؤال است: چه چیزی از تجربه اتحاد جماهیر شوروی باید امروز بیشتر مورد تقاضا باشد؟ حدود ۴۰٪ از پاسخ‌دهندگان گفتند: یک قدرت قوی که در سراسر جهان مورد احترام باشد. در رتبه دوم عدالت اجتماعی قرار دارد: بین ۲۰٪ تا ۳۰٪. اما دوستی ملل تنها در رتبه سوم با ۸٪ قرار گرفت. و این تصادفی نیست.

مفهوم "دوستی ملل" در رابطه با بحران مهاجرت، تا حد زیادی بی‌اعتبار شده است. پس از جنگ داخلی، دولت شوروی میراث دشواری به ارث برد: در قلمرو امپراتوری سابق روسیه، بین ۵۰ تا ۶۰ تشکیلات دولتی مختلف وجود داشت. از جمله آن‌هایی که توسط سیاستمداران، اشغال‌گران و مداخله‌گران بر اساس "ملیت" الهام گرفته شده بودند: و همه این‌ها باید به نوعی جمع‌آوری می‌شد. و در نهایت، نوعی "چهل‌تکه" ایجاد کردند که رقبای ژئوپلیتیک ما به هر شکلی سعی در "بریدن" آن داشتند و چنین "برشی" را تشویق می‌کردند.

بنابراین، مقامات امروزی، با صحبت درباره یک قدرت بزرگ، در رابطه با اتحاد جماهیر شوروی، چیزی درباره این نمی‌گویند که چه چیزی باعث شد چنین دولتی قوی و مورد احترام در سراسر جهان ساخته شود، و آن دقیقاً بر اساس اصول "عدالت اجتماعی" ساخته شد. عدم رعایت این اصل، تا حد زیادی به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کمک کرد. کسانی که اکنون "بیش از پنجاه سال" سن دارند، بخوبی به یاد می‌آورند که تظاهرات "دموکراتیک عمومی" – که امروز لیبرال نامیده می‌شدند – در آن‌ها دولت شوروی به دلیل "اختلاف بین حرف و عمل" مورد انتقاد قرار می‌گرفت. به این معنا که بین سطح زندگی طبقه بالای حزب و نومانکلاتور اقتصادی و سایر شهروندان، شکاف قابل توجهی وجود داشت، در حالی که اصل "عدالت اجتماعی" به طور عمومی اعلام می‌شد. اگرچه امروز چنین "شکافی" در مقایسه با "شکاف" فعلی بین الیگارش‌ی و اکثریت جمعیت، خنده‌دار به نظر می‌رسد. اما در آن سال‌ها، جامعه این موضوعات را بسیار جدی می‌گرفت.

"فرمول پیروزی" بدون تغییر در مسیر اجتماعی-اقتصادی و بازگرداندن اصل عدالت اجتماعی در جامعه بسادگی غیرممکن است. به عنوان مثال، به اکثر سربازان قراردادی که در عملیات نظامی ویژه شرکت می‌کنند توجه کنید: آن‌ها از روسیه "عمیق" و همچنین مناطق روستائی می‌آیند، که بیشترین محرومیت را دارند. برای آن‌ها، امضای یک "قرارداد"، علاوه بر ملاحظات میهنی، راه‌حلی برای تأمین زندگی شرافتمندانه خانواده‌شان نیز هست.

واضح است که در طول جنگ بزرگ میهنی، اشکال متناظری از مشوق‌های مادی وجود داشت، اما امروز، به نظر من، این یکی از عوامل غالب است. شاید برای اولین بار در تاریخ ما، جنگ به یک "شغل خوب" تبدیل شده است. اما

نکته دیگر این است که حل "مشکل پیروزی" تنها بر اساس "منافع مادی" بسیار مشکل‌ساز است. "کلید" اینجا وضعیت کلی امور در دولت است.

در این رابطه، به یاد می‌آورم که در یک دیدار در مزرعه دولتی لنین، نزدیک مسکو، در خانه پاول گرویدینین، با شرکت‌کنندگان در عملیات نظامی ویژه ملاقات کردیم. چند صد نفر از آن‌ها مستقیماً از خط مقدم به آنجا آمده بودند. به آن‌ها از شرکت این روستا بازدید نشان دادند. بهترین‌های اروپا را به آن‌ها نشان دادند: مدرسه، مهدکودک‌ها، پارک‌هایی که کارگران مزرعه دولتی با خانواده‌هایشان در آن استراحت می‌کنند و همچنین، مجتمع‌های رباتیک، حتی برای پرورش حیوانات و همچنین، مدرن‌ترین پارک مسکونی و فکر می‌کنید چه چیزی از این بچه‌ها در پاسخ شنیدیم؟ گفتند: اکنون می‌فهمیم برای چه می‌جنگیم! اینجا است، "تصویر کلیدی آینده" که حزب کمونیست ارائه می‌دهد.

اگر دزدی نکنید، اگر از مردم مراقبت کنید، اگر اصل عدالت اجتماعی را رعایت کنید، آن‌گاه منابع روسیه نه تنها برای حمایت شایسته از سربازان ما در نظم نوین جهانی کافی است، بلکه برای استقرار آن‌ها در زمان صلح نیز کافی است: دستمزدهای مناسب، شرایط اجتماعی راحت. امروز بسیاری از مردم فکر می‌کنند: پس از عملیات نظامی ویژه چه خواهد شد؟ ما معتقدیم که سوسیالیسم ضروری است، همان‌طور که خاریتونوف، نامزد حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در طول کارزار انتخاباتی گفت. در غیر این صورت، کشور با مشکلات بزرگی روبه‌رو خواهد شد.

با بازگشت به موضوع "کلیدی" رابطه بین کار و سرمایه در مسیر اقتصادی فعلی، می‌خواهم به شما یادآوری کنم که در یک مقطع، کارشناسان آژانس راونوستی کل توزیع سهم کار و سرمایه در تولید ناخالص داخلی جامعه مدرن روسیه را، از سال ۱۹۹۰ محاسبه کردند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مخالفان سیاسی ما دوست داشتند ادعا کنند که کارل مارکس اشتباه می‌کرد. در چه چیزی اشتباه می‌کرد؟ به عنوان مثال، سال ۱۹۹۰ را در نظر بگیرید، و تولید ناخالص داخلی ملی ۱۰۰٪ است. کارگران سپس ۵۶٪ از آن را به عنوان دستمزد، پاداش و غیره دریافت کردند. ۲۶٪ دیگر توسط شرکت‌ها برای ساخت مسکن، مهدکودک‌ها، انواع مختلف یارانه‌ها، انواع مزایای اجتماعی و همچنین سرمایه‌گذاری‌ها، تا حدی اختصاص داده شد. یعنی این‌ها نیز می‌توانست به آنچه کارگر از محصول تولید شده دریافت می‌کرد، نسبت داده شود. و ۱۸٪ دیگر مالیات‌های دولتی، هزینه‌های اتحادیه، اداره عمومی، ارتش و غیره بود. بیایید به یاد بیاوریم که تضمین‌های اجتماعی سخاوتمندانه شوروی، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش متوسطه، عالی و غیره چگونه بود. اکنون معمولاً فکر می‌کنیم که همه این‌ها رایگان بود. اما این درست نیست. این‌ها به اصطلاح صندوق‌های مصرف عمومی بودند، هم برای شرکت‌ها و هم برای دولت.

کارگر امروز چه چیزی دریافت می‌کند؟ متأسفانه تنها ۴۲٪ از تولید ناخالص داخلی. و بر اساس منابع دیگر، این عدد ۳۸٪ است. تفاوت را احساس می‌کنید؟ اما سهم مالک، سهم سرمایه در تولید ناخالص داخلی، ۴۴٪ است. یعنی کسی که تولید می‌کند، در مقایسه با صاحب سرمایه، تنها خرده نانی دریافت می‌کند. درست است که گفته می‌شود سرمایه‌دار نیمی از سود خود را در تولید سرمایه‌گذاری می‌کند، اما نیمی دیگر را خودش مصرف می‌کند.

بنابراین، وقتی می‌گوئیم که باید عدالت اجتماعی در جامعه وجود داشته باشد، منظورمان نقش دولت در برقراری چنین عدالتی است. زیرا این دولت است که با سیاست‌ها و قوانین خود، میزان کار و مصرف را تعیین می‌کند. دولت فعلی روسیه، به عنوان مثال، این میزان را به گونه‌ای تعیین می‌کند که کارگران بسیار کمتر از صاحبان سرمایه دریافت می‌کنند. بنابراین منظور ما این است که دولت باید اولویت‌های خود را به نفع فرد کارگر تغییر دهد، نه منافع مالکیت خصوصی.

هیچ‌کس منکر این نیست که باید اشکال مختلفی از مدیریت وجود داشته باشد، و حزب کمونیست فدراسیون روسیه نیز الزامات اولیه برنامه خود را بازبینی کرده است. با این حال، ما همچنان معتقدیم که منابع و اهرم‌های اصلی، مانند چین، باید در دست دولت باشد، یا مانند دوران NEP و صنعتی‌سازی مربوطه در اتحاد جماهیر شوروی. و این تنها یکی از راه‌های اصلی بازگرداندن عدالت اجتماعی است."

این باور عمومی وجود دارد که یک فرد روسی به ظاهر عملکرد خوبی ندارد. آیا همه این مقایسه‌ها با آلمان، به عنوان مثال، یا با پرتگال را به یاد دارید؟ قبل از ورود به برنامه، من در میان چیزهای دیگر، در مورد آمار مشابه درباره پرتگال، یکی از فقیرترین کشورهای جامعه اروپائی پرسیدم، زیرا روسیه از نظر شاخص‌های کلی اقتصادی نزدیک به پرتگال است. با سطح قابل مقایسه‌ای از بهره‌وری نیروی کار، یک کارگر پرتگالی دو برابر همتای روسی خود درآمد دارد، زیرا دولت در آنجا مسؤول توزیع عادلانه‌تر درآمدها است.

یا مورد چین را در نظر بگیرید، که با آن تقریباً سطح مشابهی از بهره‌وری نیروی کار داریم، اما حقوق متوسط یک کارگر چینی اکنون بسیار جلوتر از حقوق همتای روسی خود است. به این دلیل که، دوباره، دولت سهم دستمزدها را تعیین می‌کند. وضعیت مشابهی در ترکیه نیز مشاهده می‌شود. سؤال اینجاست که کارگر روسی از چه نظر بدتر از کارگر پرتگالی، چینی یا ترکیه‌ای است که برای کار مشابه بسیار بیشتر دریافت می‌کنند؟ هیچ چیز!

چرا همه این حرف‌ها؟ بله، به این دلیل که در روسیه دولت وظیفه خود را در کنترل عادلانه میزان کار و مصرف، و عدالت اجتماعی انجام نمی‌دهد و همه این حرف‌ها درباره رشد سریع دستمزدها در کشور ما بی‌پایه است، زیرا سهم کار در توزیع تولید ناخالص داخلی افزایش نیافته است. ممکن است دستمزدها در جایی در حال افزایش باشند، اما من شخصاً با افرادی مواجه نشده‌ام که دستمزدشان به طور قابل توجهی افزایش یافته باشد، زیرا هزینه‌ها به طور مداوم در حال افزایش است.

به عنوان مثال، در مسکو از سال نو چه چیزی دریافت کرده‌ایم؟ همان افزایش قیمت‌های حمل و نقل، مواد غذایی، تعرفه‌های خدمات عمومی، و سود جدید برای تراکنش‌های بانکی آنلاین. حتی اپراتورهای موبایل نیز به طور قابل توجهی هزینه تعرفه‌های خود را افزایش داده‌اند. یعنی در هر صورت، ما شروع به هزینه کردن بیشتر از قبل از سال نو کرده‌ایم.

به هر حال، با بازگشت به سوالات هم‌پرسی مردمی که توسط حزب کمونیست فدراسیون روسیه برگزار شد، یکی از آنها این است: آیا شما از تصویب قانون فدرال درباره حداکثر حاشیه سود برای محصولات غذایی و داروهای ضروری به میزان حداکثر ۱۰٪ حمایت می‌کنید؟

اولاً، این یک حاشیه سود طبیعی برای خرده‌فروشی‌هایی است که از "گردش مالی" زندگی می‌کنند. و ثانیاً، کمیته امور کشاورزی دوما، بازار مواد غذایی، به ریاست آکادمیسین کاشین، حاشیه سود متوسط مواد غذایی و داروها را تحلیل کرد. پس، این عدد به ۵۳٪ رسید، فقط فکر کنید! این به خاطر "بوی تنباکو" نیست که همه این خرده‌فروشان، "شبکه‌های خرده‌فروشی" به معنای واقعی کلمه چاق می‌شوند، عملاً با حداقل تلاش. چیزی مشابه در مورد قیمت مواد غذایی نیز اتفاق می‌افتد.

بیانید یک بار برای همیشه این میل ناسالم همه این انحصارها را متوقف کنیم، که تعداد قابل توجهی از آنها سرمایه خارجی یا منشأ "آشور" دارند. معلوم می‌شود که ما "عموی دیگری" را تغذیه می‌کنیم، که به ما محصولات ا ارائه می‌دهد، گاهی اوقات با کیفیتی کاملاً "وحشتناک"، مانند، به عنوان مثال، سیب‌زمینی.

من شخصاً مجبور شدم با افزایش قیمت سیبزمینی مقابله کنم و درخواست‌هایی به دولت ارسال کردم. و معلوم شد که این یک "اشتباه محض" دولت ما بود، زیرا در یکی از سال‌ها از کشاورزی که محصول خوبی برداشت کرده بود حمایت نکرد و در نتیجه او متحمل ضررهای هنگفت شد. مناطق کشت مناسب برای سیبزمینی تحریک نشدند و در نتیجه سال بعد کمبود سیبزمینی وجود داشت. در نهایت، همان‌طور که دولت به من گفت، مجبور شدیم سیبزمینی را از خارج، حتی از کشورهای خصمانه خریداری کنیم. و اگر، به عنوان مثال، بلاروس را تحریک کرده بودیم، آن‌گاه به نظر من، به سرعت تمام "کمبودهای" ما، از جمله سیبزمینی را جبران می‌کرد.

یک جزء مهم "فرمول پیروزی" برنامه‌ریزی است. امروز می‌توانیم با اطمینان کامل درباره سوءمدیریت‌هایی که در برنامه‌ریزی عملیاتی رخ می‌دهد صحبت کنیم، به دلیل عدم وجود یک برنامه دولتی. به عنوان یک مثال مثبت، من قبلاً به مزرعه دولتی لنین اشاره کرده‌ام، که در تعدادی از موقعیت‌ها در جهان پیشرو است: تولید، رباتیک، و غیره. این "تصویر آینده" است که حزب کمونیست فدراسیون روسیه به مردم روسیه ارائه می‌دهد.

نکته اصلی. در پایان سال گذشته، به عنوان مثال، مشخص شد که آنها قصد دارند بزرگترین گورستان اروپا را در مسکو جدید افتتاح کنند: حدود ۶۰۰ هکتار، حدود ۸۱۷ زمین فوتبال و کیفیت برنامه‌ریزی سیاست اجتماعی-اقتصادی. **سرگنی اوبوخوف. یا مثالی دیگر.**

بر اساس گزارش‌های رسانه‌ها، شرکت‌های روسی قصد دارند سود سهام به مالکان خصوصی در دارایی‌های عمومی سابق شوروی به مبلغ ... ۴.۵ تریلیون روبل پرداخت کنند، که معادل حدود نیمی از بودجه رسمی نظامی فدراسیون روسیه است. معلوم می‌شود که تمام این پول کلان نه برای عملیات نظامی ویژه، نه برای سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌ی، نه برای تجهیزات جدید، نه برای جایگزینی واردات، بلکه برای ثروتمند شدن شخصی ۱۰۰ هزار خانواده از ذینفعان اصلی دولت فعلی هزینه خواهد شد.

به هر حال، یک سال قبل، این پرداخت‌ها کمتر بود و به کمی بیش از ۴ تریلیون می‌رسید. معلوم می‌شود که در تنها یک سال، "آقایان ذینفع"، با استفاده از دارایی‌های عمومی سابق، نیم تریلیون روبل دیگر به درآمد خود اضافه کرده‌اند، که این موضوع یک بار دیگر افزایش استعمار کار توسط سرمایه را تأیید می‌کند، که اتفاقاً امروز بالاترین میزان در ۳۰ سال گذشته پس از فروپاشی شوروی است. و آنچه در خطر است بقای اساسی مردم عادی است."

**مجری:** "بیانید با جزئیات بیشتر در مورد همه‌پرسی صحبت کنیم، که نهاد آن در قانون اساسی تعیین شده است. اما به دلایل مختلف برای مدت طولانی متوقف شده‌اند. حزب کمونیست فدراسیون روسیه چگونه قصد دارد یک همه‌پرسی مردمی برگزار کند، با وجود تمایل نداشتن مقامات به سازماندهی چنین رویدادهایی؟"

**سرگنی اوبوخوف:** "مشخص است که در هر صورت، این یک همه‌پرسی دولتی نیست، بلکه یک همه‌پرسی عمومی است. از سوی دیگر، ما بخوبی می‌دانیم که راه دیگری برای "برجسته کردن مشکل" و جلب توجه مقامات نداریم. علاوه بر این، همه‌پرسی‌ها، به عنوان چنین، ممنوع بودند و ما مجبور شدیم از طریق دادگاه قانون اساسی و نه برای اولین بار، لغو چنین محدودیت‌هایی را درخواست کنیم. نکته دیگر این است که دادگاه قانون اساسی از درخواست‌های مشروع ما حمایت کرد، اما دوماً دولتی، که اکثریت آن با روسیه متحد است، تصمیمی آشکارا یسوعی گرفت: می‌گویند که تصویب مسائلی که قبلاً توسط قانون حل شده‌اند غیرممکن است. در واقع، هر چیزی را می‌توان زیر این فرمول‌بندی "انعطاف‌پذیر" خلاصه کرد. بنابراین، هر نتیجه‌ای از همه‌پرسی ما همیشه می‌تواند توسط مقامات به طور دلخواه تفسیر شود.

توجه داشته باشید که همپرسی معروف دولت درباره اصلاحات قانون اساسی واقعاً یک همپرسی نبود. اگر به یاد داشته باشید، قبل از برگزاری آن، تنها یک "رای‌گیری ملی" وجود داشت، با فرمان رئیس‌جمهور. به عبارت دیگر، چارچوب قانونی تقریباً مشابه یک همپرسی عمومی بود.

همپرسی مردمی ما شامل پاسخ به ۵ سؤال داغ است. برگه‌های رأی چاپ خواهند شد، می‌توان از طریق تلفون یا در خیابان‌ها رأی داد، زمانی که هوا گرم‌تر باشد و چادرهای مناسب وجود داشته باشد که در آن‌ها بتوان رأی داد. و همچنین می‌توان از طریق صفحات وب رأی داد. به عبارت دیگر، ما می‌خواهیم دولت سیاست اجتماعی-اقتصادی خود را تنظیم کند.

یکی از موضوعات کلیدی همپرسی مربوط به خودسری شبکه‌های خرده‌فروشی، طمع سبزی‌ناپذیر شرکت‌های چندملیتی است، که با دزدی از شهروندان ما در شبکه‌های خرده‌فروشی، نمی‌خواهند هیچ تعهد اجتماعی را بپذیرند. اگر به یاد داشته باشید، حدود چهار سال پیش، روسیه متحد اعلام کرد که "مجموعه بورش" را تحت کنترل خود گرفته است. با این حال، از آن زمان، قیمت سیب‌زمینی، چغندر و هویج تقریباً دو برابر شده است. در این مورد، به هر حال، من قبلاً با درخواستی به دولت مراجعه کرده‌ام.

سؤال بعدی همپرسی به سیستم مسکن و خدمات عمومی مربوط می‌شود. در تقریباً همه حوادث پرتأثیر در این حوزه، که معمولاً در زمستان رخ می‌دهند و زندگی شهروندان را به خطر می‌اندازند، شرکت‌های مدیریتی مقصر اصلی هستند، که تنها از فعالیت‌های خود سود می‌برند و از هر وسیله‌ای برای این کار استفاده می‌کنند، و مسکن و خدمات عمومی آخرین چیزی است که به آن توجه می‌کنند. و بنابراین، سیستم مسکن و خدمات عمومی، بدون شک، باید تحت کنترل دولت باشد.

به هر حال، امسال قرار بود مؤسسه بودجه دولتی "ژیلیشنیک" وضعیت "شرکت با مسؤلیت محدود" را دریافت کند، زیرا قبلاً قانونی تصویب شده بود که همه شرکت‌های شهری، دولتی و واحد را منحل می‌کند. و این، به هر حال، یک مشکل بسیار جدی است. اگر قبل‌تر، به عنوان مثال، من به عنوان نماینده مسکو می‌توانستم درخواستی به همان مؤسسه بودجه دولتی "ژیلیشنیک" ارسال کنم، زیرا یک شرکت دولتی است، اکنون، زمانی که وضعیت "شرکت با مسؤلیت محدود" را دریافت می‌کند، ممکن است به من بگویند: دوست دارید به جنگل بروید، آقای نماینده: اکنون ما یک شرکت خصوصی هستیم. خوب است که چنین تغییری هنوز در مسکو در حال انجام نیست.

سؤال دیگر همپرسی مردمی به مهم‌ترین مشکلی که روسیه امروز با آن مواجه است می‌پردازد: جمعیت‌شناسی. و مقامات، به جای حل آن، فقط "روغن به آتش" ریختند: اصلاحات بازنشستگی خودشان، که تا پایان بدرستی طراحی نشده بود، و افزایش سن بازنشستگی از سال ۲۰۱۸ را پیش‌بینی می‌کرد. یک نتیجه مستقیم از این نوع "اصلاحات" این بود که نرخ زاد و ولد پیش‌بینی شده برای ۲۰۲۴ به جای ۱.۸-۱.۷ پیش‌بینی شده، تنها ۱.۴ بود، یعنی به طور قابل توجهی کاهش یافت.

سؤال این است، چرا؟ مشخص است که یک "عملکرد اجتماعی" برای بازنشستگان وجود دارد: آموزشی. و "اصلاحات" جدید بازنشستگی، در واقع، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها را برای پنج سال از فرصت کمک به والدین شاغل خود در تربیت فرزندانشان محروم کرد، یعنی کاهش زمان حضور آن‌ها در کنار خانواده. این موضوع تأثیر مستقیمی بر نرخ زاد و ولد داشت.

سؤال بعدی همپرسی به موضوع مهم دیگری می‌پردازد: کنترل قیمت‌ها. آیا شما از تصویب قانون فدرال درباره حداکثر حاشیه سود برای محصولات غذایی و داروهای ضروری به میزان حداکثر ۱۰٪ حمایت می‌کنید؟ این سؤال به

دلیل افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در سال‌های اخیر مطرح شده است. به عنوان مثال، قیمت سیب‌زمینی، نان و دیگر مواد غذایی اساسی به طور قابل توجهی افزایش یافته‌اند، در حالی که درآمد مردم به همان نسبت رشد نکرده است. در نهایت، سؤال آخر هم‌پرسی به موضوع حساس دیگری اشاره دارد: کنترل شرکت‌های بزرگ و انحصارات. آیا شما از ملی‌کردن شرکت‌های بزرگ و ستراتیژیک که در حوزه‌های انرژی، حمل و نقل و ارتباطات فعالیت می‌کنند، حمایت می‌کنید؟ این سؤال به دلیل نفوذ بیش از حد شرکت‌های خصوصی و چندملیتی در اقتصاد روسیه مطرح شده است، که اغلب به ضرر منافع ملی و مردم عادی تمام می‌شود.

**مجری:** "چگونه حزب کمونیست فدراسیون روسیه قصد دارد این هم‌پرسی را برگزار کند، با وجود مقاومت مقامات؟"

**سرگنی اوبوخوف:** "ما می‌دانیم که این کار آسانی نیست، اما ما راه‌هایی برای انجام آن داریم. اولاً، ما از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خود اطلاع‌رسانی گسترده‌ای انجام خواهیم داد. ثانیاً، ما از حمایت سازمان‌های مردمی و اتحادیه‌های کارگری استفاده خواهیم کرد. ثالثاً، ما از طریق نمایندگان خود در دوما و شوراهای محلی فشار خواهیم آورد تا این موضوع در دستور کار قرار گیرد. ما معتقدیم که اگر مردم به اندازه کافی بسیج شوند، مقامات مجبور خواهند شد به خواسته‌های آن‌ها گوش دهند."

**مجری:** "آیا شما فکر می‌کنید که این هم‌پرسی می‌تواند واقعاً تغییری ایجاد کند؟"

**سرگنی اوبوخوف:** "بله، من به این باور دارم. تاریخ نشان داده است که وقتی مردم متحد می‌شوند و خواسته‌های خود را به طور قاطع بیان می‌کنند، تغییر ممکن است. این هم‌پرسی نه تنها یک ابزار برای بیان نارضایتی‌ها است، بلکه یک فرصت برای نشان دادن راه‌های حل عملی به مقامات است. ما نمی‌خواهیم فقط اعتراض کنیم، ما می‌خواهیم پیشنهادات سازنده‌ای ارائه دهیم که می‌تواند شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد."

**مجری:** "سیاسگزارم از شما، سرگنی اوبوخوف، برای این مصاحبه‌ی روشن‌گرانه امیدواریم که این هم‌پرسی بتواند گامی به سوی بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در روسیه باشد."

**سرگنی اوبوخوف:** "متشکرم. ما به تلاش خود ادامه خواهیم داد تا عدالت اجتماعی و رفاه برای همه مردم روسیه فراهم شود."

۲۲ فبروری ۲۰۲۵

*یادداشت: در این که روسیه و حتا تمام کشور های جهان هیچ راه و مسیر دیگری جهت نجات مردم شان از فقر و بدبختی به جز تغییر ساختار اقتصادی اجتماعی شان به سوسیالیسم ندارند هیچ شکی وجود ندارد، نکته و سؤال اساسی آن است که کدام نوع سوسیالیسم؟ سوسیالیسم لنینی و ستالینی با جهت گیری خدمت به خلق و یا کاریکاتوری از سوسیالیسم که خروشچفیزم در خدمت طبقه جدید یا همان نومان کلاتورا آن را عملی نمود؟  
اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"*